نیمه سازی
پرونده
بازگشایی مدارس
تعامل خانه و مدرسه

والدین از تعامل با مدارس می‌گویند

خانه و مدرسه یک خانواده است!

گوناه مدرسه، فاطمی، ایران

خانم زمانی یک دختر در پایه ششم در مدرسه غیر انتفاعی دارد. او از مادران پویا و فعال است که همواره در جلسات مختلف مدرسه حضور دارد. فوق‌برنامه‌های مدرسه همانند تمامی کلاس‌ها برای او اولویت دارد و خود را موظف به شرکت می‌داند. همین حضور باعث شده است فرزند او با گروه‌های هم‌سال خود ارتباط مؤثرتری داشته باشد

من یک دهه شصتی هستم؛ نسلی که در اوج فعالیت انجمن‌های مدارس با حضور والدین تحصیل کردیم. خاطرم هست و شاید برای شما هم اتفاق شود که همه‌تأکیز ما دوست داشتیم والدین‌مان بیشتر به مدرسه رفت‌وآمد کنند و حتی عضو انجمن مدرسه شوند. اگر جلسه برگزار می‌شد و نمی‌آمدند، انگار غصه عالم روی دل‌مان می‌نشست. عضویت انجمن کاپ قهرمانی نداشت اما ما گمان می‌کردیم در نگاه کادر مدرسه اهم از مدیر و معلمان، عزیز یا مورد توجه بیشتری هستیم. درست فکر می‌کردیم، اما نه اینکه به صرف حضور در انجمن مورد توجه بیشتر قرار می‌گرفتیم، بلکه دلیل مرتبط‌شدن کادر مدرسه با خانواده‌مان نشانه اهمیت داشتن خودمان نزد والدین هم بود. کادر آموزشی وقتی توجه و اهمیت ما را نزد والدین می‌دیدند، بیشتر توجه می‌کردند و از این فراتر به دلیل حضور مداوم و رفت‌وآمدهای پیاپی والدین به مدرسه این اهمیت به کادر مدرسه منتقل می‌شد و قاعدتاً ما هم درگیر ماجرا می‌شدیم. دقیقاً برای همین بود که اصولاً دانش‌آموزانی که والدین آنها جزو انجمن مدرسه بودند، بچه‌های پویاتری هم داشتند. اگر خاطرتان باشد اصولاً همان بچه‌هایی بیشتر در دفتر مشاوره، مدیر و معلم پرورشی بودند که والدین آنها هم فعال‌تر بودند. هنگام خواندن این متن شاید برخی از شما بگویید انجمن اولیا و مربیان پهانه‌ای است برای دریافت پول و دیگر هیچ! اما واقعیت این است که در دورانی خانه و مدرسه برای دانش‌آموزان به سان یک خانواده بود و واقعیت آن است که برای جلوگیری از گسست تربیتی نسل اندمساز جامعه، خانه و مدرسه باید یک خانواده باشد.

اما متأسفانه باید اقرار کرد بر خی انجمن‌ها با فاصله گرفتن از اهداف اولیه خود که توسعه و مشارکت خانواده‌ها و والدین در مدرسه بود و به ارتباط‌گیری مؤثر ختم می‌شد، مسیر خود را به مرور تغییر دادند که البته در این تغییر والدین هم بی‌تقصیر نبودند. فارغ از پیدا کردن کسانی که قصور و تقصیر داشتند اما شاید بد نباشد والدین، خود برای بازگشت این انجمن‌ها به کارکرد و اهداف اولیه تلاش کنند. مشارکت و پویایی بیشتر و دغدغه‌مندی باعث خواهد شد مدارس و کادر آموزشی و مدیریتی هم احساس مسئولیت بیشتری کنند. در واقع می‌توان گفت حفاظت از مدرسه به اتکا و والدین در ارتباط با معلمان و دانش‌آموزان برمی‌گردد. انجمن اولیا و مربیان مدرسه صرف کمک مالی یا انجام دستورات مدرسه نیست در حالی که طبق قانون ۲۶ وظیفه دارد و می‌تواند بر عملکرد آموزش، بهداشتی، امنیتی و رفاهی مدرسه نظارت داشته باشد و والدین نیز در عین دلسوزی و توانع مشکلات را مطرح سازند.

«جوان» در گزارشی میدانی شیوه تعامل و ارتباط مدرسه با والدین را از زبان افراد مختلف اعم از کادر مدیریتی، آموزشی و نیز والدین و اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان مورد بررسی قرار داده است.

ابتدا سراغ والدین دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی و مدارس دولتی و غیرانتفاعی رفتیم. برخی معتقدند مدارس غیرانتفاعی در این تعامل موفق‌تر هستند و شاید این موضوع چندان بی‌ارتباط به تغذیه مالی این مدارس نباشد و برخی دیگر مدارس دولتی را موفق‌تر می‌دانند اما می‌توان گفت در واقع این توانایی و میزان اهمیت والدین است که می‌تواند اثر گذار باشد که البته انجمن‌ها تنها یکی از درگاه‌های ورودی مهم در ارتباط‌گیری است.

۱ مدارس در زمینه امور پرورشی با والدین تعامل نمی‌کنند

خانم موحد یک دختر در مقطع متوسطه و یک پسر در پایه اول دبستان دارد. وی اذعان دارد فعالیت چندانی در مدارس ندارد، ولی می‌گوید افرادی که رفت‌وآمد معاشرت بیشتری با مدرسه دارند، مدرسه نیز به بچه‌های آنها توجه بیشتری دارد.

وی اضافه می‌کند: من خودم تا به حال عضو انجمن نبوده‌ام اما تا سال گذشته مشکلی با مدرسه نداشته‌ام تا اینکه به چالش برخوردیم و متأسفانه به دلیل عدم‌تعامل تعارضات دوچندان شد.

وی تجربه حضور در مدارس دولتی و غیردولتی را دارد و اظهار دارد مدارس دولتی ارتباط بهتری با دانش‌آموزان و والدین دارند اما در مدارس غیرانتفاعی سردی و بی‌روحی خاصی حکمفرماست.

خانم موحد بیان می‌کند: متأسفانه در برخی موارد انجمن هم نمی‌تواند در مدرسه اثر گذار باشد چراکه تجربه من ثابت کرده است مدیر مدرسه مشکلات موجود را نمی‌پذیرد و بعضاً مدرسه چندان دنبال موضوعات تربیتی و پرورشی نیست و تمام تلاش آنها روی موضوعات آموزشی است و بسیار مصلحت‌گرایانه رفتار می‌کنند.

۲ هر چه والدین در مدرسه فعال‌تر باشند، مدرسه هم توجه بیشتری به دانش‌آموز دارد

خانم اظهاری یک دختر در پایه متوسطه اول و یک دختر در پایه دبستانی دارد. هر دو در مدرسه نوبتی تحصیل می‌کنند.

وی عضو انجمن نیست و فعالیت چندانی هم ندارد اما اثر گذاری انجمن به حدی برای او مشهود است که اعتقاد دارد در سال جدید حتماً فعال‌تر خواهد شد و تلاش می‌کند به عضویت انجمن درآید. خانم اظهاری اعتقاد دارد هر چه والدین در مدارس فعال‌تر باشند، به همان نسبت مدارس هم ارتباط بهتری با والدین و از این فراتر توجه بیشتری هم به دانش‌آموزان خواهند داشت. یکی از گلایه‌های وی از عدم ارتباط مؤثر معلمان با والدین است تا جایی که در مثالی توضیح می‌دهد: «به دلیل وابستگی زیاد، سعی کرده دخترم مستقل برای درس خواندن پیش برود و این را با معلم مدرسه در میان گذاشتم و از او خواستم که اگر مشکلی پیش آمد یا افت درسی داشت، باهم در میان بگذارد اما متأسفانه دخترم بعد از چند ماه افت درسی کرد و مدرسه و معلم به هیچ عنوان این موضوع را با مادر میان نگذاشتند و در نهایت مجبور شدم خودم وارد پیدا کنم.»

خانم اظهاری برعکس خانم موحد فکر می‌کند که مدارس غیرانتفاعی توجه بیشتری به دانش‌آموزان و ارتباط مؤثری با والدین دارند. او این ادعا را بر اساس شواهد خود از برخورد سایر دوستان و آشنایان در مواجهه با مشکلات و معضلات مختلف مطرح می‌کند و معتقد است: حتی تحصیل به صورت عادلانه باید در تمام نقاط کشور در یک سطح باشد و این در حالی است که رشد فزاینده مدارس غیرانتفاعی با هزینه‌های بالا و استفاده از کادر آموزشی قوی‌تر و مدیریت مناسب و تعاملی‌تر باعث شده است ما تصمیم بگیریم ادامه تحصیل بچه‌ها در مدارس غیرانتفاعی باشد.

۳ رعایت والدین از مدارس غیردولتی برای ارتباط‌گیری با والدین

خانم زمانی یک دختر در پایه ششم در مدرسه غیرانتفاعی دارد. او از مادران پویا و فعال است که همواره در جلسات مختلف مدرسه حضور دارد. فوق‌برنامه‌های مدرسه همانند تمامی کلاس‌ها برای او اولویت دارد و خود را موظف به شرکت می‌داند. همین حضور باعث شده است فرزند او با گروه‌های هم‌سال خود ارتباط مؤثرتری داشته باشد. اهمیت ارتباط با مدرسه حتی برای پدر کیمیا هم مشخص است و او نیز خود را موظف به حضور در جلسات مختلف با مدرسه می‌داند و همین باعث می‌شود این اهمیت و نگرانی برای مدرسه نیز برزنگ جلوه کند. مادر کیمیا می‌گوید: نظر من در مورد مدرسه غیردولتی بوده که معتقدم نوع ارتباط‌گیری به نحو عالی است و مدیر و معلمان به راحتی با والدین ارتباط می‌گیرند.

وی در توضیحات خود از لفظ آسوده و راحت استفاده می‌کند و می‌گوید: مدرسه به راحتی و در زمان‌های مختلف با والدین جلسات مشاوره می‌گذارد و هرگز برای انتقال موضوعات چه در فضای مجازی و چه واقعی و حضوری راهی برای ما بسته نبوده است.

خانم زمانی می‌گوید: ابدا! اینگونه نبوده که مشکل و معضلی چه در بعد آموزش و چه تربیتی پیگیری نشود، اگر مشکلی بوده چه از جانب ما و چه از جانب مدرسه به نحو عالی منتقل شده است.

وی که رضایت زیادی از کادر آموزشی مدرسه دارد، می‌گوید: انجمن پویا و فعال است و هر ساله به نحو عالی انتخاب اعضا صورت می‌گیرد و رئیس و اعضای انجمن علاوه بر ارتباط دوستانه و صمیمانه با والدین با خودبچه‌ها هم ارتباط دارند و چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی به راحتی دسترسی برای انتقال مشکلات وجود دارد.

خانم زمانی در مورد فعالیت انجمن نیسر می‌گوید: نمایندگان انجمن دائماً با مدرسه، مدیر، معاون و معلم‌ها در ارتباط مؤثر هستند که در هر بعدی، هر مشکلی باشد، به راحتی منتقل می‌شود. همچنین جلسات منظم از سوی مدرسه برگزار می‌شود که در این جلسات والدین با مدرسه ارتباط دارند و موضوعات مختلف در ابعاد آموزشی و تربیتی را مطرح می‌کنند.

۴ به صرف کسب تجربه و سابقه وارد انجمن نشوید

خانم اشراقی یک پسر سال آخری متوسطه و یک دختر پایه ششم دارد. او پنج سال سابقه عضویت در انجمن مدرسه دارد که دو سال آخر ریاست انجمن بر عهده او بوده است.

وی ارتباط انجمن با مدرسه را عالی ارزیابی می‌کند و می‌گوید: تک‌تک بچه‌ها گویی فرزند خودم هستند و تمامی موارد را بدون کم‌وکاست از طرق مختلف با کادر مدیریتی و آموزشی مدرسه در میان می‌گذارم.

به اعتقاد او مدیر مدرسه اثر گذاری قابل توجهی در ارتباط‌گیری اولیا با مدرسه و بالعکس دارد که میزان توجه او به رفع مشکلات باعث می‌شود مادران و پدران بیشتر به مدرسه رفت‌وآمد کنند و مشکلات یک‌به‌یک حل شود.

خانم اشراقی می‌گوید: عضویت در انجمن و فعال بودن کار ساده‌ای است و به لحاظ کمی و کیفی نیز در زندگی اثر گذار بوده است.

او درباره شیوه ارتباط‌گیری با والدین اظهار می‌دارد: ما به بچه‌های مختلف تشکیل جلسه می‌دهیم و گروه فعالی در فضای مجازی داریم. این ارتباط باعث شده است والدین یک کلاس، در طول سال تحصیلی یک خانواده باشند، حتی خارج از مدرسه بچه‌ها را باهم بیرون می‌بریم و بین خودمان صمیمیت ایجاد کرده‌ایم که این صمیمیت باعث شده است هم به بچه‌ها منتقل شود و هم در مدرسه اثر گذاری مثبت داشته باشد؛ صمیمیتی که از طریق مدرسه پیش آمده باعث شده است بچه‌ها دوستان خود را از گروه‌های همسال و همان کسانی که در مدرسه هستند، انتخاب کنند؛ افرادی که خانواده‌های آنها هم ارتباط مؤثری با یکدیگر دارند و نسبت به همه چیز آگاه هستند. وی بارها و بارها در میان گفت‌وگوی خود از خانواده‌ها خواست به صرف یک تجربه به عضویت انجمن درنیایند، بلکه با هدف دلسوزی برای بچه‌ها و مدرسه این واسطه‌گری را قبول کنند.

به اعتقاد اشراقی بسیاری از مدارس فقط ظاهر انجمن را دارند تا فقط بگویند نماینده دارند، در حالی که هیچ فعالیتی که موجب ارتباط مؤثر والدین و مدارس شود، انجام نمی‌دهند. وی این مسئولیت را یک حق‌الناس بر گردن نماینده‌ها می‌داند و بارهم توصیه می‌کند والدین با هدف انتقال مشکلات بین مدارس و والدین وارد انجمن شوند.

۵ خانه و مدرسه جدا از هم نیستند

فاطمه عسگری، مدیر یکی از مدارس غیرانتفاعی منطقه ۱۲ تهران در مورد اثر گذاری فعالیت‌های انجمن بر کیفیت مطلوب مدرسه می‌گوید: هدف از ایجاد انجمن‌ها گردهمایی بوده است تا در شرایط خاص، خانواده و مدرسه در جریان موضوعات مختلف قرار بگیرند.

وی با ذکر مثالی توضیح می‌دهد: در برگزاری یکی از مراسم‌ها در جشن میلاد ائمه با تقاضای خانواده‌ها برای شرکت در مراسم مواجه شدیم، مشکلاتی از جمله فضای مطلوب برای برگزاری مراسم داشتیم که هر دو مورد از طریق انجمن حل شد و به برگزاری مراسم نایسته‌ای به گفته وی، قابلیت انجمن حضور افرادی است که همه یک جنس و یک‌دست هستند و هیچ کس اندازه انجمن نمی‌تواند با آگاهی و اشراف به موضوعات، مسئله را به مدرسه انتقال دهد. در واقع انجمن پیش از مطالبه‌گری، دست کمک به مدرسه است و هیچ حلقه وصلی مؤثرتر از اعضای انجمن برای انتقال مشکلات به مدرسه نیست.

عسگری می‌افزاید: مثال دیگر برگزاری جلسه معارفه پایه‌های مختلف قبل از آغاز سال تحصیلی است. این جلسه هر ساله بین ۲۰ تا ۳۰ شهریور برگزار می‌شود اما با توجه به اینکه ۲۰ درصد اعلام حضور کردند و ۶۰ درصد به دلیل سفر امکان حضور در جلسه را نداشتند، ما جلسه را به هفته اول مهر موکول کردیم. همین موضوع ساده از طریق انجمن پیگیری شد.

یکی دیگر از مشکلات مورد اشاره از سوی این مدیر مدرسه غیرانتفاعی به معضل مهمی بعد از عبور از شرایط کرونا برمی‌گشت. وی در این باره توضیح داد: بعد از کرونا شرایط دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت تغییر کرد که شاید اگر این شرایط پیش نمی‌آمد، چنین دسترسی‌هایی هم فراهم نمی‌شد اما به هر حال حضور در فضای مجازی باعث شد تا برخی بچه‌ها به اطلاعاتی دست پیدا کنند که ضروری به دانستن آن نبود. موضوع در ستاد تربیتی مدرسه مطرح شد و از طریق نماینده‌های انجمن توانستیم به سرمنشأهای اصلی برسیم. این معضل مهم جز با همراهی انجمن حل نمی‌شد.

وی در ادامه می‌گوید: پدرومادرها دعوت شدند، همزمان نگران هم بودند، در نهایت برخی خانواده‌ها پذیرفتند و برخی انکار کردند که منتج به عدم‌تحصیل دانش‌آموز مورد نظر در مدرسه شد.

خانم عسگری بیان می‌کند: زمانی که مشکل از طریق انجمن به خانواده منتقل می‌شود، خانواده‌ها با مدرسه همراه‌تر هستند و این همراهی صرف پول نیست بلکه همراهی معنوی و همکاری با کادر مدرسه است.

وی به مثال دیگری در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: در شرایط کرونا ما تمهیداتی برای کلاس‌های آنلاین داشتیم و سامانه‌ای طراحی شد اما شاهد بودیم بچه‌ها نکالیف خود را رأس ساعت تعیین‌شده ارسال نمی‌کردند و این شبیه ایجاد شد که دانش‌آموزان دچار افت شدند اما از طریق ارتباط انجمن با خانواده‌ها مطلع شدیم ساعت تعیین‌شده برای ارسال تکالیف به دلیل اوج ترافیک اینترنتی امکان ارسال بموقع را فراهم نمی‌کند. در نتیجه ما ساعت ارسال تکالیف را تغییر دادیم هم مشکل معلم‌ها و هم خانواده‌ها حل شد.

این مدیر مدرسه در توضیح شکل گیری انجمن مدرسه تازه تأسیسی که در آن مشغول فعالیت است، توضیح می‌دهد: سال اول هفت نفر در جلسه شرکت کردند اما بعد از گذشت شش سال، پارسال ۲۰ نفر داوطلب در مدرسه داشتیم و این به دلیل نقش مؤثر و اثر گذاری انتقال موضوعات و مشکلات بود.

به اعتقاد وی، وقتی کادر مدرسه نسبت به موضوعات منتقل شده از سوی انجمن ترتیب اثر بدهند، والدین نیز ترغیب به مشارکت می‌شوند، در حالی که در بسیاری از مدارس با ادعای قانونگرایی نسبت به مشکلات موضوع مبهمی می‌گویند. وی به خانواده‌ها توصیه کرد در انتخاب مدرسه دقت کنند تا علاوه بر اهمیت به ابعاد آموزشی، سبک و سیاق تربیتی و رفتاری هم برای آنها مهم باشد.

به اعتقاد وی، خانه و مدرسه به هیچ عنوان از یکدیگر جدا نیستند و همگوئی سبک زندگی میان مدرسه و خانه باید وجود داشته باشد.

وی در پایان خاطر نشان می‌کند: من هم فرزندانم در مدارس دیگر در حال تحصیل هستند و روی سخنم با همه خانواده‌هاست که اگر ما با توقیع از مسئولان مدرسه در جهت اهداف تربیتی خود تقاضایی داشته باشیم، بسیار مؤثرتر از داشتن روحیه مطالبه‌گری خشک و بعضاً طلبکارانه است.

خانم اشراقی مادر دو دانش‌آموز، پنج سال سابقه عضویت در انجمن مدرسه را دارد. به اعتقاد او مدیر مدرسه اثرگذاری قابل توجهی در ارتباط‌گیری اولیا با مدرسه و بالعکس دارد که میزان توجه او به رفع مشکلات باعث می‌شود مادران و پدران بیشتر به مدرسه رفت‌وآمد کنند و مشکلات یک‌به‌یک حل شود

حجت‌الاسلام مجتبی سلوک، مشاور تربیتی:

والدین باید دلسوز خانه دوم فرزند خود باشند

اولین و مهم‌ترین بستر تربیتی، خانواده است و برای موفقیت در جامعه و تربیت نسل با همان انسان کامل باید این تربیت و دغدغه در خانواده شروع شود و در مدرسه به تکامل برسد

به اعتقاد یک مشاور تربیتی، مدرسه خانه دوم فرزندان است که خانواده‌ها باید به اندازه همان خانه اول برای رسیدگی به آن و تربیت فرزند خود تلاش کنند و دلسوزی داشته باشند.

حجت‌الاسلام مجتبی سلوک، مشاور تربیتی متوسطه دوم در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: برای تربیت حوزه‌های مختلفی تعریف می‌شود که اولین و مهم‌ترین بستر تربیتی، خانواده است و برای موفقیت در جامعه و تربیت نسل با همان انسان کامل باید این تربیت و دغدغه در خانواده شروع شود و در مدرسه به تکامل برسد.

وی توضیح می‌دهد: ورود به هفت سال دوم تربیتی، در محیط مدرسه و این مرحله اولین مرحله تعامل فرزند با اجتماع است، لذا مدرسه باید در راستای تربیت خانواده و تحقق اهداف اجتماع تلاش کند.

این مشاور تربیتی رسالت مدرسه را در این می‌داند که مسیر درست را برود که اگر رسالت خانواده غلط است سعی در این داشته باشد به مسیر اصلی خود ادامه دهد.

سلوک با بیان این نکته که مدرسه برای هدف‌گذاری تعریف می‌شود، می‌گوید: لزوماً مدرسه نباید با خانواده همگون باشد، چون ممکن است مسیر خانواده غلط باشد، بلکه مدرسه باید کار خود را بکند.

وی ضمن نقد مدارس دولتی تأکید کرد: در کشور ما در دولت‌های مختلف بودجه مناسبی برای آموزش‌وپرورش اختصاص پیدا نمی‌کند و همین موضوع باعث می‌شود نسبت به کمیت دانش‌آموزان در مدارس دولتی، شاهد کیفیت مطلوبی نباشیم چراکه تعداد دانش‌آموزان زیاد است و همین کیفیت را پایین می‌آورد.

به اعتقاد این کارشناس تربیتی در سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها تربیت را رها کرده و به آموزش‌وپرورش سپرده‌اند در حالی که پیش از این برعکس بود و تربیت در خانواده شکل می‌گرفت و مدرسه ناجی و کمک‌کننده و همراه خانواده محسوب می‌شد.

سلوک در پایان خاطر نشان می‌کند: از آنجا که خانواده بستر اول تربیت فرزندان است، باید تلاش خود را جهت تحقق این تربیت انجام دهد، سپس وظیفه آموزش را به مدرسه واگذار کند، اما در حوزه تربیت نیز از مدرسه کمک بگیرند.

به اعتقاد وی مدرسه خانه دوم فرزندان است که اگر خانواده‌ها برای این خانه تلاش نکنند، فعالیت مدرسه در حد همان وظایف کلیه‌های می‌ماند، در نتیجه والدین باید پای تربیت خانه دوم فرزندان‌شان بایستند.

علیرضا رحیمی، کارشناس تعلیم‌وتربیت:

خانواده متولی تربیت است اما باید استمرار آن را از مدرسه مطالبه کند

تربیت واژه‌ای است که در عمل مدرسه و والدین کنار یکدیگر انجام می‌دهند. ما باید این فهم را در خانواده ایجاد کنیم که باور کنند، هر چند مسئول اصلی تربیت والدین هستند، اما باید اجرای مؤثر آن را از نظام آموزشی نیز طلب کنند

یک کارشناس تعلیم‌وتربیت معتقد است: شکی در ارتباط مؤثر و اثر گذاری مثبت والدین با مدارس نیست اما این کارکرد در سال‌های اخیر مثل سابق نیست و زمینه‌های مشارکت مردم باید از سوی حاکمیت فراهم شود.

علیرضا رحیمی، کارشناس تعلیم‌وتربیت است، وی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: همه افراد می‌دانند که انجمن اولیا و مربیان با هر ارتباط دوسویه دیگری شبیه چنین انجمنی، اثر مثبتی در زمینه‌های مختلف دارد اما از آنجا که این انجمن زیرمجموعه آموزش‌وپرورش است، در نتیجه استقلال ندارد و باعث می‌شود نظرات مؤثری نداشته باشد.

وی بیان می‌کند: نیاز مردم را به اینگونه نهادها باید فهماند و خود آموزش‌وپرورش تأییده روی آن ندارد، در نتیجه انجمن‌ها هم نان خور آموزش‌وپرورش شدند.

رحیمی عدم‌استقلال چنین نهادهایی را باعث کارکرد ضعیف آن می‌داند و درباره وظیفه مشترک خانه و مدرسه در تربیت دانش‌آموزان بیان می‌کند: تربیت واژه‌ای است که در عمل مدرسه و والدین کنار یکدیگر انجام می‌دهند. ما باید این فهم را در خانواده ایجاد کنیم که باور کند، هر چند مسئول اصلی تربیت والدین هستند، اما باید اجرای مؤثر آن را از نظام آموزشی نیز طلب کنند.

یک کارشناس تعلیم‌وتربیت معتقد است: شکی در ارتباط مؤثر و اثر گذاری مثبت والدین با مدارس نیست اما این کارکرد در سال‌های اخیر مثل سابق نیست و زمینه‌های مشارکت مردم باید از سوی حاکمیت فراهم شود.

علیرضا رحیمی، کارشناس تعلیم‌وتربیت است، وی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: همه افراد می‌دانند که انجمن اولیا و مربیان با هر ارتباط دوسویه دیگری شبیه چنین انجمنی، اثر مثبتی در زمینه‌های مختلف دارد اما از آنجا که این انجمن زیرمجموعه آموزش‌وپرورش است، در نتیجه استقلال ندارد و باعث می‌شود نظرات مؤثری نداشته باشد.

وی بیان می‌کند: نیاز مردم را به اینگونه نهادها باید فهماند و خود آموزش‌وپرورش تأییده روی آن ندارد، در نتیجه انجمن‌ها هم نان خور آموزش‌وپرورش شدند.

رحیمی عدم‌استقلال چنین نهادهایی را باعث کارکرد ضعیف آن می‌داند و درباره وظیفه مشترک خانه و مدرسه در تربیت دانش‌آموزان بیان می‌کند: تربیت واژه‌ای است که در عمل مدرسه و والدین کنار یکدیگر انجام می‌دهند. ما باید این فهم را در خانواده ایجاد کنیم که باور کند، هر چند مسئول اصلی تربیت والدین هستند، اما باید ادامه و اجرای مؤثر آن را از نظام آموزشی نیز طلب کنند. والدین باید در این زمینه کمک کنند و در هدایت و کنترل این امر نقش داشته باشند.

به اعتقاد وی، در همه جای دنیا و حتی کشور خود ما قبل‌ترها کارکرد انجمن‌ها بسیار بیشتر بود اما امروز سایه کمرنگی از انجمن‌های اولیا و مربیان باقی مانده است.

وی در ادامه می‌افزاید: در گام اول خانواده‌ها باید درک کنند اثر گذاری این ارتباط در تربیت نقش دارد و نکته بعد اینکه انجمن‌ها فعال باشند.

رحیمی معتقد است: کارکرد غلط و ضعیف باعث شده است خانواده‌ها نگران باشند که فعالیت انجمن‌ها صرفاً دریافت پول است و کارکرد دیگری ندارد.

این کارشناس حوزه تعلیم‌وتربیت در ارزیابی خود، مردم را برای حضور در موضوعات مشارکتی ضعیف ارزیابی می‌کند و ادامه می‌دهد: مردم ما در مشارکت ضعیف هستند اما باید زمینه‌های مشارکت مردم را فراهم سازیم.

رحیمی خاطر نشان می‌کند: مردم به حقوق و وظایف خود را می‌شناسند و نه این نهادها را می‌شناسند. باید روی فهم و درک این وظایف و حقوق کارکرد و بخش اولیا و مربیان را باید خارج از آموزش‌وپرورش به گونه‌ای شکل داد که یک نهاد مردمی با حمایت حاکمیت باشد و از نظام آموزشی حساب‌کشی کند.

دکتر میلاد محقق، پژوهشگر و استاد دانشگاه:

تعامل صحیح و مستمر خانه و مدرسه گره‌گشای مشکلات است

وقتی فرزندان میهن‌مان از هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند و تحت تعلیم‌وتربیت نظام آموزش‌وپرورش قرار می‌گیرند، بخش قابل‌توجهی از مهندسی رفتار کودکان و گردار دانش‌آموزان که چارچوب‌های رفتاری آنها را تشکیل می‌دهد، از سوی مدیران و معلمان مدارس شکل می‌گیرد. حال باید دید نقش ناگزیر آمدی این نهاد در شناسایی و رفع مشکلات خانه و مدرسه در ایران چه بوده است؟

خانواده و آموزش‌وپرورش، دو نهاد مهم و اثربخش در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند که اگر سرمایه‌گذاری درست و سازنده‌ای روی آنها انجام شود، می‌توانند نقش ارزنده‌ای در بهبود مهندسی رفتارهای فردی و اجتماعی افراد و اقشار جامعه داشته باشند.

نهاد آموزش‌وپرورش در تعامل صحیح و مستمر با خانواده‌ها می‌تواند به تنهایی پاسخگوی مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور باشد، اما چگونه؟!

وقتی فرزندان میهن‌مان از هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند و تحت تعلیم‌وتربیت نظام آموزش‌وپرورش قرار می‌گیرند، بخش قابل توجهی از مهندسی پندار، گفتار و کردار دانش‌آموزان که چارچوب‌های رفتاری آنها را تشکیل می‌دهد، از سوی مدیران و معلمان مدارس شکل می‌گیرد.

در اینجا ممکن است این موضوع مطرح شود که مقدار زمانی که دانش‌آموزان با مدارس سروکار دارند، به اندازه‌ای نیست که بتوان همه مسئولیت‌ها را بر عهده آموزش‌وپرورش دانست. در پاسخ باید گفت اگر سازوکارهای آموزشی وپرورشی مدارس کشور آنچنان کارآمد باشد که می‌باید، قادر خواهد بود حتی زمان‌هایی که دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه هستند، جو تعلیمی و تربیتی آنان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. حال این پرسش مطرح می‌شود که سازوکارهای مورد اشاره باید چگونه تعیین و تبیین شوند؟

پاسخ به این پرسش بسیار واضح و روشن است، زیرا اصلی‌ترین وظیفه آموزش‌وپرورش ساختن شخصیت فرزندان این مرز و بوم است و تشکیلاتی که با این وظیفه سنگین و مهم روبه‌رو می‌شود، باید خود دارای شخصیت سنگین و وزینی باشد تا بتواند شخصیت‌های بزرگی را تحویل جامعه دهد و خود نیز از فضایی که به وجود می‌آورد، برخوردار و بهره‌مند شود.

تعیین و تبیین چگونگی برخورداری و بهره‌مندی از شخصیت‌های مهم و برجسته در جامعه را حاصل تلاش‌های آموزش‌وپرورش کشور باشد، می‌توان از اینجا آغاز کرد که اساساً چه رویکرد شخصیتی رامی‌توان برای افراد و اقشار جامعه در نظر گرفت تا مناسب با تعاریفی باشد که کشورمان به آن اهمیت می‌دهد.

همانگونه که در ابتدا به آن اشاره داشتیم، خانه و مدرسه در شکل‌گیری شخصیت فرزندان میهن نقشی بسزا دارد و به همین دلیل باید قدرت و توان مهندسی رفتاری پدران و مادران و همچنین مدیران و معلمان را تا حداکثر ممکن افزایش دهیم.

مهم‌تر از این موضوع، همکاری و هماهنگی بین دو نهاد خانواده و مدرسه است چراکه اگر این همکاری و هماهنگی صورت نگیرد، آنان نمی‌توانند از وضعیت دانش‌آموزان به خوبی آگاه شوند و برای رفع چالش‌های آنها، به طراحی و اجرای برنامه‌های مفید و مؤثر بپردازند. به همین منظور و برای ایجاد و برقراری هماهنگی و همکاری مابین خانه و مدرسه، نهاد مستقلی به نام انجمن اولیا و مربیان شکل گرفت.

این نهاد در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی با نام «انجمن خانه و مدرسه» تأسیس شد و در مهرماه ۱۳۴۶ به «انجمن ملی اولیا و مربیان» تغییر نام داد و اکنون نیز با نام «انجمن اولیا و مربیان» در حال فعالیت است.

تأسیس این نهاد با الگوبرداری از نظام آموزش‌وپرورش فرانسه صورت گرفت، زیرا این کشور تجارب خوبی در این زمینه داشت و توانسته بود با ایجاد التزام برای پدران و مادران دانش‌آموزان، همکاری و هماهنگی خوبی را بین خانه و مدرسه، ایجاد و برقرار کند.

اما آیا این نهاد در کشور ما توانسته است تجارب خوبی به دست آورد؟ به نظر من و بر اساس مطالعات انجام‌شده در این زمینه، فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب بسیار زیاد است و انتظار این بود نهاد مذکور بتواند بسیاری از مشکلات موجود بر سر راه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس و همچنین بحران‌های خانوادگی را حل کند که اینچنین نیست.

حال باید دید علت ناکارآمدی این نهاد در شناسایی و رفع مشکلات خانه و مدرسه در ایران چه بوده است؟

تفاوت‌ها و معایرت‌های فرهنگی بین خانواده‌ها را می‌توان یکی از موضوعات مهم در این بحث دانست و مهم‌تر از آن، میزان توانمندی‌های مدیریتی در اینگونه تشکل‌ها نیز بی‌تأثیر نیست، زیرا این نوع تفاوت‌ها و معایرت‌ها باعث می‌شود هنجارها و ناهنجارها باهم یکسان نباشد و در نوع روابط آنها از نظر کمی و کیفی تأثیرات عمیقی داشته باشد و تنها مدیریتی نیز بسنگی به میزان شناخت اینگونه موارد دارد.

از سوی دیگر می‌توان به وجود ضعف در حاکمیت تفکر اجتماعی در مقابل حاکمیت تفکر فردی اشاره کرد که ریشه مشکلات ما در فعالیت‌های گروهی است و درک این موضوع که همیشه اولویت را باید برای سود جمعی و گروهی قائل شویم، رمز موفقیت خواهد بود.

پدر و مادرها و همچنین مدیران و معلمان باید به این باور برسند که ایجاد و برقراری نظام تواناسختی برنامه‌های آموزشی و پرورشی خانه و مدرسه به سود جامعه است و همه می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند و به همین خاطر وقتی قرار است همه از سود بهره‌مند شوند، باید در پرداخت هزینه نیز امادگی‌های لازم را داشته باشند.

در واقع زندگی ما انسان‌ها مانند امور کشاورزی است که باید قبل از مرحله برداشت، به مراحل کاشت و داشت نیز باور داشته باشیم و قبل از مرحله کاشت و داشت، انتظار ورود به مرحله برداشت را نداشته باشیم.

اگر باور داشته باشیم محصولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باید پس از تلاش و کوشش گروهی در دو مرحله کاشت و داشت به دست آید، پس همه باید در میدان باشند تا محصولات مرغوب‌تری برداشت شود و با یقین می‌توان گفت که مهم‌ترین اقدامات در مراحل کاشت و داشت، به نظام آموزش‌وپرورش مربوط می‌شود.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که در زمان تشکیل این انجمن‌ها و اعلام نامزدی اولیا و مربیان برای برگزاری انتخابات، اولویت‌ها بر جسته‌سازی نمی‌شود تا همه به میزان کارایی و اثر گذاری این نهاد پی ببرند.

اگر در انتخابات انجمن اولیا و مربیان مدارس کشور به این موضوع اهمیت داده شود که قرار است مسئولیت انجمن، به کسانی سپرده شود که بتوانند به اصل حمایت، هدایت و نظارت را در سرنوشت آموزشی و پرورشی فرزندان‌شان با سازوکارهای کارآمد به انجام برسانند و آنگاه معیارها و شاخصه‌های درست و منطقی را برای گزینش و انتخاب آینده بهتر، تعیین و تبیین کنند، ما شاهد بهترین وضعیت‌ها در مراکز آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی خواهیم بود.

متأسفانه اینگونه به انشباه در جامعه جا افتاده است که پدر و مادرهایی می‌توانند با انجمن اولیا و مربیان همکاری بیشتری داشته باشند که بیکار هستند و وقت بیشتری برای پرداختن به امورات مدرسه دارند و این در حالی است که پدر و مادرهای دائاتر و توانائر باید به این واقعیت باور داشته باشند که اگر خواستار تعلیم‌وتربیت کارآمدتر در مدارس هستند، باید بخشی از وقت خود را برای همکاری با مدارس اختصاص دهند چ